

نهاد فراملیتی کشاورزی (2)

ترویج مصرفِ نهاده های غیر ضرور در تولید کشاورزی

اسفندیار عباسی

سایت اطلاع رسانی «در خدمت اصلاح الگوی مصرف»

www.eabbassi.ir

توانا بود هر که دانا بود

فردوسی

در مقاله نخست این گزارش تعریف نهاد به عنوان مجموعه ای اجتماعی-فرهنگی آمد. در نهادها افراد در سمت ها و نقش های مختلف، بر اساس باورها و ارزش های مشترک، هماهنگ و ثابت قدم عمل می کنند. در آنجا برای توصیف چگونگی عملکرد نهادها، به دو نمونه نهاد، یکی از نهادهای بومی و دیگری از نهادهای وارداتی اشاره شد. در بسیار از نهادهای بومی، مثل خانواده، می توان دید که به رغم دشواری های فرزندداری، کنشگران اصلی این نهاد (یعنی پدر و مادر) به تلاش خود ادامه می دهند. اهمیت و لزوم خانواده از دیدگاه این کنشگران و جامعه و نقش تعریف شده برای پدر و مادر، ایشان را در انجام وظایف خود صبور و ثابت قدم می کند به طوری که دشواری ها را تحمل می کنند.

در آن مقاله همچنین توصیف شد که نخبگان اقتصاد سیاسی غرب از استمرار رفتاری کنشگران در نهادها استفاده ابزاری کرده اند و به علمی با عنوان «تکنولوژی نهادسازی» دست یافته اند. ایشان از طریق این تکنولوژی نهادهایی طراحی می کنند که در آنها با توجه به اهداف اقتصادی و سیاسی طراحان، رفتار کنشگران نهاد، ناگزیر، با هم هماهنگ شود. به عنوان نمونه ای از این نهادهای وارداتی، در مقاله پیش، به نهاد شهر مدرن اشاره کردیم که در آن رفتار کنشگران سال بعد از سال، بدون هرگونه شک و بازبینی ادامه می یابد. اگر چه با گذشت هر سال هوای کلان شهر آلوده تر و تعداد تلفات جانی، به لحاظ بیماری های تنفسی و غیره و تصادفات رانندگی رو به فزونی است، اما باورهای حاکم و نقش های تعریف شده برای خریداران خودرو، طراحان و مدیران شهری،

خودروسازان و بانکداران و دانشگاهیان این حوزه علمی-فنی، ادامه رفتارهای نامعقول کنونی و شرایط زیانبار به وجود آمده را توجیه می کنند.

امروزه در کشاورزی نیز رفتارهای نامعقولی از سوی عاملان این حوزه مشاهده می شود که نشان از نفوذ یک نهاد وارداتی و غیر بومی دارد. با اینکه اطلاعات وسیع و معتبری در مورد مضرات زیست محیطی و بهداشتی استفاده از کود و سموم شیمیایی، نادرست بودن واردات بی رویه محصولات غذایی، اشتباه صدور مجوز برای حفر چاه های عمیق و نیمه عمیق و نیز مضرات درازمدت سدسازی و شبکه های بزرگ آبیاری برای کشاورزی مقیاس وسیع به انتشار رسیده است، این عملکردها، در قالب الگوهای رفتاری کشاورزان، مروجین، برنامه ریزان، سیاستگذاران و مسئولین این حوزه اقتصادی ادامه می یابد و جوامع دنیا پیامدهای نامطلوب زیست محیطی، بهداشتی، اقتصادی و اجتماعی ناشی از این روش ها را تحمل می کنند.

اشتباه است اگر بیندیشیم که این مسایل صرفاً بهایی است که جوامع برای رسیدن به توسعه یافتگی ناگزیر باید پردازند یا اینکه این مسایل صرفاً ناشی از مدیریت نادرست در اجرای طرح های توسعه است و لذا با مدیریت بهتر می توان از خسارت های حاصله کاست. از دیدگاه نهادشناختی، این مسایل و تداوم تضاد فاحش بین آنچه معقول است و آنچه به عنوان سیاست های به ظاهر منطقی ادامه می یابد حاکی از ماهیت نهادی نظام کشاورزی کنونی جهان است.

نهاد فراملیتی کشاورزی که تولد و تکامل تدریجی آن با اصلاحات ارضی و ترویج روش های کشاورزی صنعتی و شیمیایی موسوم به انقلاب سبز در کشورهای جهان کلید خورد در خلأ به وجود نیامد بلکه نهادهای بومی کشاورزی در کشورها را از میان برد و به جای آنها نشست. در کشور ما این نهاد تحمیلی جایگزین نهادی بومی به نام «بُنه» گردید. برای شناخت ساز و کار و نتایج نهاد جدید، توجه به ویژگی های نهاد قدیمی مطلوب است.

● بُنه، نهاد بومی مشارکت در تولید زراعی

تاریخاً، ضرورت بهره برداری گروهی از منابع مشترک، مثل آب و خاک از یک سو، و از سوی دیگر خویشاوندی روستاییان و لزوم انجام کارهای سخت و طولانی، مثل احداث و نگهداری قنوات و نهرها و رویارویی با بلایای طبیعی، روستانشینان را به سوی تعاون و یاریگری متمایل می

کرده است. در ایران در چهار دهه اخیر، پژوهشگرانی چون جواد صفی نژاد و مرتضی فرهادی²⁶ آثار پرباری در توصیف انواع تعاونی های بومی به چاپ رسانده اند. در این آثار، خواننده با جزییات نمونه های متنوعی از شیوه های یاریگری در میان روستاییان و مدیریت مشارکتی در بهره برداری جمعی از منابع آشنا می شود.

یکی از فراگیرترین انواع مشارکت ها در قالب تعاونی سنتی ای به نام بُنه (همچنین موسوم به صحرا، پاگاو، هراسه و بنکو) برای بهره برداری گروهی از منابع کشاورزی صورت می گرفت. اگر چه شواهد تاریخی وجود این تعاونی را در چندی از نقاط پراکنده ایران تایید نمی کند،²⁷ به نظر می رسد که تا قبل از اصلاحات ارضی دهه 1340، عملکرد این تعاونی سنتی در روستاها به قدری گسترده و نافذ بود که می توان آن را نهادی عام برای مدیریت مشارکتی در روستاهای آن زمان قلمداد کرد. البته بنه تنها نهاد بومی کشاورزی دنیا نیست که قربانی استقرار نهاد فراملیتی کشاورزی شده است. بر اساس مطالعاتی که در خصوص پیشینه مشارکت در جوامع زراعی به چاپ رسیده، به نظر می رسد که تضعیف فرهنگ یاریگری در کشورهای جهان یکی از پیامدهای عام ترویج کشاورزی صنعتی بوده است.²⁸

www.eabbassi.ir

پژوهشگران، ظهور بنه در ایران را به تلاش تاریخی کشاورزان ایران برای بهره برداری مشارکتی از منابع بسیار محدود آب مرتبط دانسته اند.²⁹ در واقع، در این سازمان یاریگری، فرصت برای مشارکت در تامین دیگر عوامل تولید زراعی یعنی بذر، زمین، نیروی انسانی و حیوانی (برای شخم) فراهم بود. مسلماً، با توجه به دیگر ملزومات تولید زراعی، عوامل دیگری را نیز می باید به این مجموعه افزود، مثل دانش تجربی اعضای مجرب تر بنه و ارتباطات اجتماعی و توانایی های خاص اعضای پرنفوذ این نهاد در درون و بیرون جامعه روستایی برای انجام اموری چون بازاریابی محصولات و تامین امنیت روستا.

براستی که مطالعات جامعه شناختی اخیر در مورد بنه کمک کرده که علاقمندان به امور روستاها دید وسیع تری نسبت به ویژگی های در هم تنیده اجتماعی-اقتصادی-فرهنگی- محیطی روستانشینی پیدا کنند و پیشینه روستاها را صرفاً به عنوان واحدی جمعیتی متشکل از رعایا و خوش نشینان که توسط یک یا چند مالک بزرگ (یا مباحثران آنها) مدیریت می شدند نبینند.

در بنه، برزگران دسته جمعی کار می کردند و در پایان کار، با در نظر گرفتن سهم هر فرد در تامین عوامل پنجگانه تولید زراعی (آب، زمین، بذر، نیروی انسانی و شخم) پس از دادن سهم مالک و پرداخت هزینه ها، محصول را بین خود تقسیم می کردند. بنه توسط فردی به نام سربنه هدایت می شد. سربنه به لحاظ تجربه بیشتر و توانایی های اجتماعی برجسته اش، در مقایسه با دیگر کشاورزان، وظایف فنی و اجتماعی ویژه ای بر عهده داشت. بنه از حیث ساختار و حدود وظایف اعضای آن همه جا به یک شکل نبود. انواع بنه از نظر میزان همکاری ها در کار کشت و زرع، حدود مالکیت، اهلیت اعضا (بومی یا مهاجر)، میزان دخالت مستقیم یا غیر مستقیم نهاد های حکومتی، توسط پژوهشگران طبقه بندی شده است.³⁰ این تنوع ساختاری گواهی بر انعطاف پذیری این نهاد گسترده نسبت به شرایط گوناگون است. از سوی دیگر، تعداد بنه ها در یک روستا بر حسب مساحت اراضی زیر کشت و میزان آب موجود در هر سال زراعی متغیر بود. یعنی در خشکسالی، زمانی که به ناچار از وسعت اراضی قابل کشت کاسته می شد، چند بنه روستا در هم ادغام می گردید و یا به عکس، در آبسالی، بنه های بزرگ تر تجزیه و بر تعداد بنه های کوچکتر افزوده می شد. این نشان از توانایی بالای اعضای بنه ها در هم اندیشی در حل مسایل و مدیریت مشارکتی آنان در رویارویی با شرایط متغیر محیطی دارد.

www.eabbassi.ir

نکته قابل توجه دیگر اینکه مبادلات بین اعضای بنه و مبادلات بین بنه و افراد غیر عضو، مانند نجار و آهنگر روستا، به ندرت شامل پول بود. اجرت ها و سهم ها جملگی بر حسب محصول، محاسبه و پرداخت می شد. لذا سهم بودن جمعی روستاییان در حاصل تلاش بنه موجب می شد که انگیزه ای واحد برای افراد عضو و غیر عضو به وجود آید و همه کنشگران این نهاد بومی با همدلی بیشتر با هم همکاری کنند. از سوی دیگر، تقسیم کار در بنه به طوری بود که کشاورز بر روی قطعه زمین بخصوصی کار نمی کرد و به جز کار بذرپاشی که توسط سربنه صورت می گرفت، دیگر کارها به صورت کم و بیش یکسان توسط کلیه کشاورزان، با هم، انجام می شد.³¹ یکسان بودن نوع کار و تساوی سهم همه کشاورزان از برداشت (به استثنای سربنه که به لحاظ دانش و جایگاه نظارتی خود معمولاً سهم بیشتری می برد)، رعایت انصاف در دریافت حق الزحمه مساوی در ازای کار مساوی را آسان تر و خالی از شبهه می ساخت.

با توجه به این مختصر که در مورد بنه بیان شد، چند ویژگی این نهاد مدیریتی بومی قابل تامل

است:

1) خودکفایی - کلیه نیازهای تولید کشاورزی در محل تامین می شود.
2) خود اتکایی - از آنجائیکه دستمزد کلیه افراد غیر عضو، مثل آهنگر، نجار و کارگر، قبل از تقسیم محصول بین اعضای بنه پرداخت می شد، به نفع اعضا بود که تا حد امکان از بهره گیری از کارگران کشاورزی و دیگر عرضه کنندگان خدمات اجتناب ورزند تا هر یک از اعضا سهم بیشتری ببرد.

3) رعایت انصاف - عموماً، در میان بزرگان، برای کار مساوی، سهم مساوی دریافت می شد.
4) وحدت انگیزه و مشارکت - تمامی اعضا در ضرر و منفعت بنه سهیم (ذینفع) بودند و دستمزدها نیز همگی با بخشی از محصول پرداخت می شد، لذا هر یک از افراد مرتبط با این نهاد (عضو و غیر عضو)، یکدل و یکسو برای موفقیت گروه می کوشید.

5) بهره برداری عادلانه و عاقب اندیشانه از منابع - ساختار بنه اجازه نمی داد که کسی با بهره کشی بیشتر از منابع طبیعی روستا به طور انفرادی غنی شود، لذا رقابت در بهره برداری ناپایدار از منابع (نظیر آنچه امروزه در بهره برداری از چاه های عمیق یا نیمه عمیق یک روستا در رقابت با بهره برداران قنات آن دیده می شود) ناپسند و غیر قابل قبول پنداشته می شد.

www.eabbassi.ir

● پی ریزی نهاد فراملیتی کشاورزی

برای اینکه نهاد فراملیتی کشاورزی به تدریج جایگزین نهادهای بومی کشاورزی در جهان شود، پیرو اصلی که هاجون چنگ و دیگر نخبگان اقتصاد سیاسی آمریکا در آثار خود مستند کرده اند، دو تغییر اقتصادی-تکنولوژیکی هدفمند در کشورها معرفی شد: یکی اصلاحات ارضی و دیگری روش های جدید کشت و زرع موسوم به انقلاب سبز. اصلاحات ارضی رعیت صاحب نسق را به خرده مالک صاحب زمین تبدیل کرد. یعنی بزرگتری که قبلاً در چارچوب نهادی بومی مثل بنه با دیگران در بهره برداری از منابع مشارکت داشت حالا مجبور بود که تمامی عوامل تولید را خود فراهم کند. اگر چه در ابتدای کار، تقسیم اراضی مالکان بزرگ بین رعایا هدفی پسندیده و از منظر عدالت، حرکتی قابل تحسین به نظر می رسید، اما تقسیم اراضی عملاً به تشکیل واحدهای بزرگتر کشت و زرع و رانده شدن بسیاری از خرده مالکان از زمین خود و نتیجتاً به تضعیف جمعیتی یا تخلیه کامل روستاها انجامید.

در واقع، هدف از اصلاحات ارضی، که کم و بیش همزمان در بسیاری از کشورهای جهان اجرا شد، توسعه عدالت نبود چرا که در ایران، زمینداران بزرگی که در زمان اجرای این قانون با اعمال مدیریت فردی (نه مدیریت مشارکتی نظیر آنچه در بنه معمول بود)، استفاده از روش های شیمیایی و مکانیزه کشت، و با بهره گیری از کارگران کشاورزی (و نه با همکاری رعایای سهم بر) کشاورزی می کردند از قانون تقسیم اراضی مستثنی بودند.³² در نیم قرن اخیر شواهد محکمی توسط پژوهشگران در ارتباط با پیامدهای نامطلوب اصلاحات ارضی در کشورهای مختلف گردآوری شده است. بر اساس این شواهد شکی باقی نمی ماند که یکی از اهداف اصلی اجرای این اصلاحات از میان بردن نهادهای مشارکتی در بهره برداری از منابع آب و خاک بود تا راه برای متمرکز شدن اراضی زراعی و ورود سرمایه های کلان داخلی و خارجی به بخش کشاورزی هموار شود. فرانسیس مور لپه در کتاب «اول غذا» که چاپ اول آن در سال 1970، یعنی 10، 15 سال پس از آغاز این حرکت جهانی منتشر شد به تشابهات زیادی از این دست اشاره می کند.

قانون اصلاحات ارضی در فیلیپین، کشوری که دارای 3 میلیون دهقان بدون زمین است، دو سوم تمامی اراضی قابل کشت کشور را از تقسیم معاف کرده است چون این اراضی در اختیار شرکت های بزرگ خارجی برای تولید محصولات صادراتی است. حتی در منطقه موسوم به بوکیدنان، شرکت دل مانتی³³ تلاش می کند که به زور دهقانان خودکفای این منطقه را وادار به رهن اراضی زراعی خود کند. این شرکت برای بیرون راندن کشاورزان از اراضی سرزمین اجدادی خود از ماشین آلات سنگین مثل بولدوزر استفاده می کند و اخیرا به سمپاشی هوایی روستاهای منطقه متوسل شده که به بروز بیماری در بین دام و اهالی منجر گردیده است.³⁴

در ایران، در آغاز تقسیم اراضی در سال 1962، خرده مالکان با امید دستیابی به آبی که از بنای سد دز که می توانست مساحتی به وسعت 200000 جریب را آبیاری کند شروع به کشتکاری کردند. اما امروز (1970) در استان خوزستان، کشاورزی مقیاس وسیع تحت اختیار شرکت های خارجی چون چیس منهتان، میتسویی، بانک آمریکا، شل و شرکت سی آند اچ در قطعه های بزرگ 12000 و 50000 جریبی قرار گرفته است. شاید به نظر آید که کشت مقیاس وسیع به دست این شرکت های خارجی به معنی شکوفایی اقتصادی برای این خطه بوده است، اما چنین نیست چون این شرکت ها، به استثنای یکی از آنها، به سودآوری نرسیده اند. یکی از تحلیل گران امور کشاورزی دلیل این ناکامی را پیچیدگی های مرتبط با مدیریت قطعات بزرگ ذکر کرده است. اما با اینحال شرکت های متضرر از این خطه دست بر نمی دارند چون معافیت از مالیات و دیگر تسهیلاتی که شاه در اختیار آنها گذاشته هزینه ضرر و زیان آنها را بسیار کاهش داده است.³⁵

اما ایجاد خرده مالکی به تنهایی کافی نبود تا نهاد مشارکتی کشاورزی در ایران را مجبور به واگذار کردن جای خود به نهادی رقابتی کند. علاوه بر تقسیم اراضی، ترویج روش های نوین کشاورزی موسوم به انقلاب سبز تغییر دیگری بود که برای نهادینه کردن رقابت در بین تولید کنندگان خرد روستا ضروری بود. این روش ها که با معرفی بذرهای اصلاح شده آغاز شد، کود و سموم شیمیایی و روش های مکانیزه آبیاری را نیز در بر می گیرد. اگر چه ممکن است که در نگاه اول کشت بذر اصلاح شده به جای بذر بومی انتخابی صرفا فنی و فردی از سوی کشاورز به نظر رسد، اما گذر زمان نشان داده است که این تغییر به ظاهر کوچک به تحولی جهانی، شگرف و چندجانبه در چگونگی تولید کشاورزی دامن زد به صورتی که برزگران سنتی را از جامعه ای مولد، خوداتکا و خودکفا به قشری مصرف کننده و نیازمند به کالاها و خدمات خارج از روستا بدل کرد.

بذرهای اصلاح شده، برخلاف بذرهای اصیل و بومی که با کود طبیعی محصول می دهد، بدون کود شیمیایی قادر به تولید مطلوب نیست و کشاورز چاره ای جز استفاده از کود شیمیایی ندارد. اما از سوی دیگر، بسته به مقدار کود شیمیایی مصرف شده، بازده زراعی محصول می تواند متغیر باشد. (توضیح بیشتر در این مورد در مقاله 3) اما ماهیت نمکی کودهای شیمیایی می طلبد که کشاورز از آبیاری بیشتری برای حفظ محصول خود استفاده کند. اما با آبیاری بیشتر، محیط زراعی برای رشد علف های هرز مساعد تر می شود و از این رو کشاورز مجبور به مصرف سموم علف کش نیز می گردد. از آنجاییکه بذرهای اصلاح شده مقاومت بذرهای بومی در برابر آفات و امراض محلی را ندارد، برزگر برای دفع آفات به سموم شیمیایی نیز نیاز پیدا می کند.

پس برخلاف گذشته که کلیه عوامل تولید در محیط روستا و از طریق بهره برداری مشارکتی از منابع فراهم بود، با معرفی فناوری نامناسب بذر اصلاح شده، کشاورزان به منابع خارج از محیط روستا که باید خریداری شود نیازمند گردیدند. نتیجه اینکه برزگر برای تامین این نیازمندی ها به نقدینگی محتاج و در پی نقدینگی به سوی استقراض سوق داده شد. تکرار نقش محوری بذرهای اصلاح شده در تحول نهادی کشاورزی جهان را می توان در رفتار نیروهای اشغالگر غرب در عراق و افغانستان به وضوح مشاهده کرد. از جمله نخستین اقدامات حکومت های نظامی در این دو کشور، وابسته سازی کشاورزی آنها به صنایع غربی و تجارت جهانی از طریق وضع قوانین ممنوعیت استفاده از بذرهای بومی بود.³⁶

به راستی که استفاده از تکنولوژی نهادسازی برای متحول کردن کشاورزی جهان به سودِ طراحان آن، یکی از گویاترین مصادیق اصلاح نهادی از طریقِ معرفیِ تغییرات اقتصادی و تکنولوژیکیِ هدفمند است. تغییرات اقتصادی و تکنولوژیکی ای که به نام اصلاحات ارضی و انقلاب سبز و به بهانه ریشه کن کردن فقر و گرسنگی به کشورهای جهان از جمله ایران وارد شد، به تدریج نهادی فراملیتی با راهبری و مدیریت دولت های مرکزی، همراه با سیاست های حمایتی (یارانه برای نهاده های کشاورزی گرانقیمت) را به وجود آورد. اجزای اداری این نهاد نیز به تدریج و یک به یک در ایران و دیگر کشورهای جهان معرفی شد، مثل تعاونی های روستایی برای توزیع بذر، کود شیمیایی، سموم دفع آفات و وام؛ شبکه ترویج کشاورزی برای تبلیغ و توجیه کشاورزان برای استفاده از نهاده های جدید؛ و دانشکده ها و مراکز تحقیقات کشاورزی برای تربیت مروجین و کارشناسان آشنا و موافق با شیوه های جدید کشاورزی (و در عین حال نا آشنا و مخالف با روش های بومی) و چاپ و نشر مطالعات داخلی در تایید پژوهش های خارجی مرتبط با کشاورزی مکانیزه و شیمیایی.³⁷

پس بدین ترتیب، با تکامل نهاد فراملیتی کشاورزی، الگوهای رفتاری نهادهای بومی کشاورزی مانند بنه که هماهنگی بین اقشار وسیعی از روستائینان (رعیت، مالک، خوش نشین و صنعتگر) برای بهره برداری مشارکتی از امکانات و منابع محلی و بقای کل روستا را امکانپذیر می کرد، به تدریج جای خود را به الگوهای رفتاری مبتنی بر رقابت داد که کشاورزان را برای دستیابی آسان تر به منابع خارجی (خارج از محیط روستا) و انتفاع بیشتر از منابع آب و خاک در روستا به رقابت با یکدیگر برانگیخت.

● اهداف و منافع نهاد فراملیتی کشاورزی

پس از سپری شدن نزدیک به 6 دهه از عملکرد این نهاد، با بررسی شکست ها و پیروزی های آن می توان به اهداف واقعی پایه گذاران جهانی آن اشراف پیدا کرد. ریشه کن کردن فقر و گرسنگی در جهان، حتی اگر واقعا از اهداف بنیادین این طرح بود، تا کنون محقق نشده و بر عکس تضعیف امنیت غذایی و فقدان دسترس عموم مردم دنیا به غذای سالم و کافی از بحران های جهان امروز به شمار می رود.³⁸

اما این نهاد موفقیت های عظیمی در دو مورد به دست آورده است: یکی اینکه تولید کشاورزی در سراسر جهان، که در گذشته عمدتاً از نهاده های خارج از محیط روستایی نیاز بود، را به بازاری سودآور برای فروش انواع بذرهای اصلاح شده و مصنوعات شیمیایی ساخت شرکت ها و صنایع آمریکایی و اروپایی بدل کرده است. و دوم اینکه اراضی زراعی و منابع آب کشورها در سراسر جهان را عملاً به صورت مزرعه ای به وسعت زمین برای تامین نیازهای سوپر مارکت جهانی غذا به خدمت گرفته است. امروزه، از دیدگاه ترویج کشاورزی، کشاورز نمونه کسی نیست که برای معیشت خود و فروش مازاد محصولات در بازارهای محلی تلاش می کند بلکه کشاورزی است که با سرمایه گذاری کلان در بهره برداری رقابتی از آب و خاک، محصولات خود را به شهرهای دوردست در کشور خود یا ترجیحاً به دیگر کشورها، جایی که مصرف کننده قدرت خرید بیشتری دارد، صادر می کند. همزمان، دولت ها نیز برای تامین نیازمندی های غذایی مردم خود به دلالتان بین المللی مواد غذایی متکی شده اند. از لحاظ اقتصادی، بهره برداران غایی و کلان از این تحول تکنولوژیکی و اقتصادی، شرکت های بزرگ نفتی (تامین کننده انرژی برای حمل و نقل و نگهداری محصولات کشاورزی و تولید نهاده های شیمیایی) و دیگر صنایع مرتبط از جمله کارتل های بزرگ غله و از لحاظ سیاسی، نظام سلطه بوده است، نظامی که برای آن از میان بردن خودکفایی غذایی و ایجاد وابستگی در کشورهای جهان اهرم سیاسی کارآمدی محسوب می شود.

لذا، بر اساس آنچه که امروز از دستاوردها و سودهای کلان انقلاب سبز برای اقتصاد نظام سلطه می دانیم، تعجب آور نیست که بنیادهای نفتی- صنعتی آمریکا، مشخصاً بنیاد راکفلر و بنیاد فورد، بیشترین سهم در سرمایه گذاری و پی ریزی نهاد فراملیتی کشاورزی در جهان را بر عهده داشته اند. نقش کلیدی این دو بنیاد صاحب نفوذ آمریکایی در طراحی و استقرار این نهاد، محرمانه نبوده و نیست. کما اینکه در نشریه ای که به مناسبت شروع انقلاب سبزی جدید در قرن بیست و یکم در قاره آفریقا از سوی بنیاد راکفلر به انتشار رسیده است، به جزئیات نقش راهبردی و مالی این بنیادها در اشاعه تکنولوژی های مرتبط با نخستین انقلاب سبز در دهه های 1350 و 1360 میلادی استناد شده است.³⁹

موفقیت عظیم شرکت های چند ملیتی در فروش نهاده های شیمیایی کشاورزی و بذرهای اصلاح شده (و اخیراً تراریخته) حاکی از پیروزی نهاد فراملیتی کشاورزی در رسیدن به هدف خود در ایجاد بازاری جهانی برای این محصولات است. در سال 2006، در گزارشی که توسط دبیرخانه

کنفرانس توسعه و تجارت سازمان ملل متحد با عنوان «رشد رونق رو به رشد تمرکز بازار در صنعت نهاده های کشاورزی» منتشر شد،⁴⁰ هویت شرکت ها و ارقام مرتبط با ثروت کلانی که نصیب آنها شده اعلام گردیده است.

جدول 1: بزرگترین شرکت های تولید کننده نهاده های شیمیایی کشاورزی، به ترتیب میزان فروش (ارقام به میلیون دلار است)، سال 2004

Company نام شرکت	2004 Sales میزان فروش نهاده های شیمیایی	Market Share (per cent) سهم بازار (در صد)
Bayer	6,155	19
Syngenta	6,030	18
BASF	4,165	13
Dow	3,368	10
Monsanto	3,180	10
DuPont	2,249	7
Others	7,519	23
World	32,666	100

بر اساس جدول بالا، در سال 2004 میلادی، 6 شرکت غربی 77 درصد نهاده های شیمیایی، به ارزش بیش از 25 میلیارد دلار، که توسط کشاورزان در سراسر جهان استفاده شد را تامین کردند. قابل توجه اینکه در این گزارش قید شده است که این ارقام به دلایل مختلف، از جمله گرایش روبه رشد کشاورزان اروپایی به کشاورزی طبیعی و کاهش مصرف نهاده های شیمیایی در اروپا، از ارقام مشابه در سال های پیش کمتر است.

از سوی دیگر، فقط با احتساب فروش بذر در 41 کشور جهان، فروشی بالغ بر 25 میلیارد دلار نصیب شرکت های تولید کننده بذر اصلاح شده و تراریخته شده است. دقت شود که 29 درصد این بازار توسط چهار شرکت فراملیتی کنترل می شود.

جدول 2: بزرگترین شرکت های تولید کننده بذر، به ترتیب میزان فروش (ارقام به میلیون دلار است)، سال 2004

Company نام شرکت	2004 Sales میزان فروش بذرهای اصلاح شده	Market Share (in per cent) سهم بازار (در صد)
DuPont/Pioneer	2,624	10
Monsanto	2,277	9
Syngenta	1,239	5
Limagrain	1,239	5
Others	17,821	71
World	25,200	100

در بخش تحلیلی این گزارش آمده است که با مطالعه آمار به دست آمده چهار تحول در تمرکز گرای صنایع نهاده های کشاورزی قابل رویت است که نه تنها به ثروت این شرکت ها بلکه به قدرت سیاسی آنها در جهان نیز افزوده است. یکی روند ادغام چندی از بزرگترین شرکت های این حوزه در سال های اخیر است. دیگری یکپارچه شدن تولیدات این شرکت هاست، به این معنی که شرکت های تولید کننده نهاده های شیمیایی اقدام به خرید شرکت های تولید بذر هم کرده اند تا بتوانند از وابستگی کشاورزان جهان به مصنوعات خود سود بیشتری ببرند. کما اینکه چندی از این شرکت ها از جمله شرکت مونسانتو، بذره های تراریخته ای تولید کرده اند که استفاده از علف کش های همین شرکت را الزامی می کند.⁴¹ روند سوم اینکه، شرکت های تولید بذر، اختراعات ژنتیکی خود را به ثبت می رسانند و از حقوق معنوی محصولات خود به شدت پاسداری می کنند، به این معنی که هیچ کشوری نمی تواند بدون پرداخت حق امتیاز به این شرکت ها اقدام به تولید داخلی آنها کند. و روند چهارم اینکه، شرکت های عظیم تولید کننده نهاده های کشاورزی همکاری نزدیکتری با شرکت های بزرگ تجارت غله، مشخصا کارتل های بزرگی چون کارگیل، کان آگرا و آرچر-دنیلز-میدلند را خواهانند تا کنترل بیشتری در جذب و فروش محصولات حاصله از بذره های خود در بازار غله جهان را داشته باشند و احتمالا از خریداری و تجارت محصولات مشابه که از بذره های غیر به دست آمده ممانعت کنند.

کلوین کولیج،⁴² رییس جمهور آمریکا (1923-1929) در گفته ای مشهور، صراحتا اقتصاد نظام حاکم در آمریکا را عین سیاست آن و سیاست آن را عین اقتصاد آن توصیف کرد.⁴³ اگر چه منسوب کردن این گفته به کولیج مورد تردید برخی تاریخنگاران قرار گرفته⁴⁴ اما بر اثر تکرار، این جمله به صورت اصلی از فرهنگ اقتصاد سیاسی آن کشور در آمده است. از این رو اهداف سیاسی نهاد فراملیتی کشاورزی که برخاسته از آن نظام است را نمی توان از اهداف اقتصادی آن تفکیک کرد، کما اینکه با بررسی موقعیت سیاسی جهان در ابتدای ظهور اصلاحات ارضی و انقلاب سبز از یک سو و پیامدهای سیاسی ناشی از اجرای این طرح آمریکایی در کشورهای دنیا از سوی دیگر می توان از اهداف سیاسی پایه گذاران این نهاد نیز پرده برداشت. دهه های 50 و 60 میلادی، همانند زمان حاضر، دوره ای پر تنش از برخورد خواسته های نهضت های آزادیخواه در کشورهای تحت سلطه و منافع کشور آمریکا، یعنی ابر قدرت پیروزمند در جنگ جهانی دوم، بود.

پیروزی انقلاب چین در سال 1949 و حرکت های استقلال طلبانه در آمریکای لاتین (کوبا)، آسیا (ویتنام و کامبوج)، آفریقا (لیبی، تونس، الجزایر، مراکش، سودان و غنا) از جمله تلاش های مردمی برای رهایی از سلطه استعمار قدرت های اروپایی این دوران بود. از آنجاییکه صنعتی سازی فرآیند تولید، در هر زمینه ای، از تعداد شاغلین در آن فرآیند می کاهد، حداقل نتیجه صنعتی سازی کشاورزی در این کشورها، همانطور که مهاجرت عظیم روستاییان به شهرها در نیم قرن بعد از اصلاحات ارضی و انقلاب سبز نیز گواهی می دهد، حذف نفرت در تولید زراعی، کوچ روستاییان جویای کار به شهرها و نتیجتاً تضعیف جمعیتی روستاها، یعنی تکیه گاه های غذایی نهضت های مردمی بود.⁴⁵ مسلماً خودکفایی و خود

اتکایی این کشورها با انگیزه های سلطه جویانه آمریکا در تضاد بود. در واقع ایجاد وابستگی غذایی، از اصول سیاست خارجی آمریکا بوده است کما اینکه از همان سال ها، از هیوبرت هامفری، سناتور معروف آمریکایی، خطاب به همقطاران خود نقل است که:

ملت ها قبل از اینکه هر کار دیگری بکنند باید غذا بخورند... اگر شما به دنبال راهی هستید که ملت ها به ما تکیه کنند، وابسته باشند و نتیجتاً با ما همکاری کنند، به نظر من [ایجاد] وابستگی غذایی، ایده آل است.⁴⁶

USAID

بازوی سیاسی آمریکا در سیاستگذاری کشاورزی در کشورهای وابسته

استفاده از اهرم غذا و کشاورزی در پیشبرد اهداف سیاسی- اقتصادی آمریکا امروزه یکی از گسترده ترین مظاهر خود را در ترویج بذرهای تراریخته یافته است. آگاهی مردم جهان نسبت به تهدیدهای زیست محیطی و بهداشتی این بذرها* موجب مقاومت هایی در برابر این تکنولوژی نامناسب شده است و نتیجتاً دخالت دولت آمریکا برای باز کردن بازارهای خارجی برای این نوع بذر را در پی داشته است. ایجاد کانال های ارتباطی دانشگاهی برای برقراری ارتباط با نخبگان علمی کشورها و سپس بهره گیری از اهرم های سیاسی «یو اس اید» (آژانس توسعه بین المللی ایالات متحده) برای پذیرش و گسترش بازار بذرهای تراریخته و نتیجتاً رونق بیشتر کسب و کار شرکت های چندملیتی تولیدکننده این نوع بذرها، مانند مونسانتو و سینجنتا در این کشورها از شگردهای تجربه شده نهاد فراملیتی کشاورزی است.

یو اس اید عمده ترین سازمان دولتی آمریکاست که از سال 1961 تا کنون در ظاهر به ارسال کمک های اقتصادی و نوعدوستانه به کشورهای در حال توسعه اشتغال داشته است. اما وب سایت این سازمان وظایف و تعهدات این سازمان را چنین بیان کرده است:

بنابراین، بهره‌کشی از منابع طبیعی، انسانی و مالی کشورها برای فراهم کردن بهترین‌های کشاورزی دنیا در بازارهای جهانی، به ویژه در کشورهای ثروتمند، همچنین گسترش بازارهای مصرف برای مصنوعات شیمیایی و زیستی غرب و همزمان تمرکز ثروت و قدرت در دست اربابان نظام سلطه، از جمله غنایمی است که کاربرد تکنولوژی نهادسازی در حوزه کشاورزی، برای نظام اقتصادی-سیاسی غرب به ارمغان آورده است. اگر صاحب‌نظران این حوزه فکری، پیروزی عظیم اقتصادی-سیاسی غرب و موفقیت در جلب همکاری مطیعانه و گاه مشتاقانه ملت‌ها و دولت‌ها را دستاوردی «افسانه‌ای» می‌خوانند غلو نکرده‌اند⁴⁷ چرا که همان‌طور که در مقاله بعدی این گزارش آمده بسیاری از رفتارهای مرتبط با این نهاد که به ضرر ملت‌ها تمام شده است ریشه در باورها و ارزش‌هایی بی‌اساس و غیرعلمی دارد. در آنجا به افسانه‌ای بودن باور کنونی کارشناسان کشاورزی به برتری اقتصادی بذره‌های اصلاح شده، به توضیح عدم کارایی و اتلاف گزاف آب در سیستم‌های آبیاری مکانیزه و به موشکافی فریب‌بزرگ تجارت جهانی که کشورها را به سوی واردات و صادرات بیشتر محصولات کشاورزی سوق می‌دهد می‌پردازیم.

«بیشترین منافع حاصله از برنامه‌های کمک‌های خارجی آمریکا همواره متوجه آمریکا بوده است. 80 درصد کل قراردادهای یو اس اید مستقیماً به شرکت‌های آمریکایی ارجاع می‌شود. برنامه‌های کمک‌های خارجی بازارهای عمده‌ای برای کالاهای کشاورزی آمریکا و بازارهای جدیدی برای صنایع آمریکایی به وجود آورده است و این یعنی هزاران شغل برای شهروندان آمریکایی.»

به منظور گشودن بازارهای جهانی برای بذره‌های تراریخته، یو اس اید فعالیت‌های تعدادی از شرکت‌های خصوصی و مجموعه‌ای از سازمان‌های پژوهشی با هدایت دانشگاه‌های میشیگان و گرنل را سازماندهی کرده است. با شعارهایی چون «انتقال دانش» و «افزایش توانمندی‌های علمی داخلی کشورها»، یو اس اید با کمک دانشمندان این دو دانشگاه و سازمان‌های پژوهشی وابسته، با نخبگان علمی کشورها تماس برقرار می‌کند تا ذهنیت مساعد در کشورهای هدف را برای خریداری بذره‌های تراریخته از شرکت‌های نامبرده بالا و نیز اقدام به فعالیت‌هایی چون آزمایشات میدانی و وضع قوانین و مقررات مناسب به وجود آورد. برای دستیابی به اهداف خود، یو اس اید شبکه‌ای پیچیده از سازمان‌های بزرگ مالی چون بنیاد راکفلر و بانک جهانی را نیز در این امر به کمک گرفته است. اگر باورسازی آکادمیک از طریق دانشگاهیان و تهدید و تطمیع مالی از سوی بانک جهانی در جلب همکاری دولتمردان کشور هدف مؤثر واقع نشود، اهرم‌های سیاسی ایالات متحده با دخالت عالی‌رتبه‌ترین مقامات و تهدید به قطع کمک‌های مالی و غیره به کار می‌افتد. برای مطالعه جزئیات بیشتر تلاش یو اس اید برای اثرگذاری بر سیاستگذاری‌های کشاورزی و غذا در کشورهای وابسته نگاه کنید به:

GRAIN 2005a

* ریفکین 1382.

متن کامل این گزارش پژوهش‌جامع طی چندین شماره در ماهنامه سنبله، از شماره 220، خرداد ماه 1391، به چاپ خواهد رسید. برای دریافت متن اصلی منابع مورد استناد این گزارش و یا انجام پژوهش جامع در حوزه علمی مورد علاقه خود با ما تماس بگیرید.

www.eabbassi.ir